

انتخاب همسر

در فرایند

قرآن و عترت

غلام عباس سر شور خراسانی

مشاور و مدرس مسایل خانواده

بسم الله الرحمن الرحيم

ازدواج و خواستگاری

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا

وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و (خدا) در بین شما دو زوج مودت (عشق) و رحمت قرار داد در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند! (روم، ۲۱)

معنی ازدواج

ازدواج مرحله مهمی از تشکیل خانواده است که بیش از همه مراسم و رویدادهای زندگی انسان در جنبه‌های متعدد فردی و زیستی و اجتماعی، امری جهانی و از نظر هدف ثابت و پایدار است. در جامعه‌شناسی تعاریف گوناگونی از مفهوم « ازدواج » شده است. کارلسون از ازدواج این تعریف را می‌نماید « ازدواج، فرایندی است از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن، که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود بر پا داشته‌اند و به طور کلی، عمل آنان مورد پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است » (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، ساروخانی، ص ۲۳).

علامه طباطبایی در میزان با توجه به آیات قرآن، « ازدواج » را مکمل کننده زن و مرد بیان نموده است :

آفرینش انسان به صورتی است که زن و مرد در ساختمان طبیعی بدن، مکمل یکدیگر و هر یک به تنهایی ناقص و محتاج دیگری است. این نیاز و احتیاج واجب می‌شود که زن و مرد به سوی یکدیگر حرکت کنند و بدین طریق، سکونت و آرامش یابند. این امر از بزرگ‌ترین و آشکارترین نعمت‌ها و موهبت‌های عالم طبیعت است، زیرا ساختمان جامعه بشری بر آن استوار می‌شود و به همین سبب است که تعاون و همکاری میان افراد پدید آمده است. خدای متعال هدف ازدواج را دو چیز بیان فرموده است، کسب آرامش و مودت بین آن دو؛ مودت، محبتی است که اثرش در رفتار ظاهر شود و رحمت نوعی تأثیر روانی است که از دیدن محرومیت یا نقص کسی پدید می‌آید و فرد را وادار می‌کند که به او کمک کند. از روشن‌ترین جلوه‌گاه مودت و رحمت، جامعه کوچک خانواده است؛ زیرا زن و شوهر در محبت و رحمت، ملازم یکدیگر و این دو به هم و به ویژه زن نسبت به فرزندان کوچک‌تر، عطوفت می‌ورزند. این محبت و مودت، والدین را بر می‌انگیزد که در حفظ، تغذیه و تربیت فرزندان بکوشند (طباطبایی ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۸۵).

قرآن ازدواج را یک نوع به وحدت رسیدن می‌داند :

وَ كَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

و چگونه آن را باز پس می‌گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته‌اید (یگانه شدید)؟ آنها (زنان) از شما پیمان محکمی گرفته‌اند! (نساء، ۲۱).

و شهید مطهری « ازدواج را جدا شدن از « خود دوستی » به سوی « دگر دوستی می‌داند و می‌فرماید (ازدواج اولین گامی است که از خود پرستی و خود دوستی به سوی دیگر دوستی است . تا پیش از ازدواج تنها یک « من » وجود داشت و همه چیز برای « من » بود . اولین مرحله ای که این « من » شکسته می‌شود ، یعنی موجود دیگری در کنار این « من » قرار می‌گیرد و برای او معنا پیدا می‌کند ، کار می‌کند ، زحمت می‌کشد خدمت می‌کند نه برای « من » بلکه برای « او » در ازدواج است (تعلیم و تربیت ، مطهری ، ص ۲۶۷-۲۶۶) .

از این رو در اسلام یک امر مقدسی است که زمان خواندن خطبه عقد ، رحمت الهی نازل می‌شود :

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) (يَفْتَحُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ وَعِنْدَ نَظَرِ الْوَالِدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَعِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكِعْبَةِ وَعِنْدَ النِّكَاحِ) (پیامبر (ص) فرمودند : درهای آسمان در چهار وقت به رحمت برای بندگان باز می‌شود در زمان نزول باران ، در وقت نگاه کردن به چهره والدین ، در زمان باز شدن درب کعبه و در وقت عقد ازدواج (کلینی ج ۵، ص ۳۲۸).

و نیز فرمودند: وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ نَاءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ (هیچ بنایی در اسلام بر پا نشده است که نزد خداوند از بنای ازدواج محبوب تر و عزیز تر باشد) (مجلسی ، ج ۱۰۰؛ ص ۲۲۲).

محبوب ترین خانه در نزد خدا ، خانه ای است که به وسیله ازدواج آباد شود قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): تَزَوَّجُوا وَ زَوَّجُوا أَلَا فَمِنْ حَظٍّ أَمْرِي مُسْلِمٍ إِنْفَاقُ قِيمَةِ أَيْمَةٍ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ فِي الْإِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ

پیامبر (ص): ازدواج کنید و ازدواج دهید ، بدانید که هیچ مسلمی بهره ای بهتر از انفاق در راه ازدواج نبرده است ، و هیچ چیزی از اسلام در نزد خداوند محبوب تر از خانه ای که در آن به وسیله ازدواج آباد شده باشد، نمی‌باشد (کلینی ج ۵، ص ۳۲۸).

قال أبو عبد الله (ع): رَكَعَتَانِ يَصْلِيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يَصْلِيهَا عَزَبٌ (امام صادق (ع): دو رکعت نماز فرد متأهل از هفتاد رکعت نماز مجرد افضل است) (کلینی ج ۵، ص ۳۲۹).

همه این امور که به تقدس و معنویت ازدواج اشاره دارد ، فرد را تشویق می‌کند تا مسؤولیت ها و رفتارهای خانوادگی را جزء وظایف دینی خویش قرار دهد ، بدین ترتیب ، امور زندگی دنیوی در مسیر تکامل معنوی و آخروی قرار گیرد .

فواید ازدواج

گاهی اوقات نسل جوان برای فرار از مسؤولیت زندگی ، بیان می‌کند که « برای چه باید ازدواج کنم ؟ بدون ازدواج بهتر می‌توانم رشد کنم !! » و جملات مانند این بیان می‌کنند و این افکار را تمدن و تجدد می‌داند !!

ازدواج یک امر « فطری » است . به عبارت دیگر هر انسانی نیازمند به « زوج » دارد تا خود را کامل کند . و هر فردی بدون ازدواج ناقص است . شاید نسل جوان با توجه با تجربیات تلخی که شاهد زندگی دیگران بوده است ؛ بگوید ولی اکثر افرادی که ازدواج کرده اند مشکلات دارند که در زمان مجردی نداشته اند !!!

اولاً باید تجزیه و تحلیل کرد این مشکلات لازم است یا خیر ؟ آیا این مشکلات موجب رشد « انسانیت » انسان می شود و یا سقوط آن ؟!

و پاسخ به این پرسش ها مقاله ای مجزا می طلبد . جواب اجمالی آن است که باید تفکر کرد که من برای چی خلق شده ام ؟ آیا من فقط برای زندگی این دنیا خلق شده ام یا برای ابدیت ؟

ثانیاً آیا مشکل در اصل « ازدواج » است یا عدم مهارت زندگی زناشویی است ؟ به این مثال دقت کنید : « غذا » برای حیات انسان ضروری است و بدون حیات انسان نمی تواند ادامه حیات بدهد . این مواد غذایی زمانی مفید و سازنده است که سالم باشد و درست بخوریم مثلاً درست بجویم . اگر غذا ناسالم باشد و یا آن که درست جویده شود ؛ در چنین حالی « غذا » نه مفید است بلکه مشکلاتی ایجاد می کند !! « ازدواج » نیز چنین است اگر زن و مرد درست تعامل نداشته باشند این ازدواج نه آرامش بخش است بلکه استرس زا است !! این استرس و مشکلات به نفس ازدواج ربطی ندارد بلکه به عدم آگاهی از مهارت زندگی زناشویی است . که باید آموزش دید و درست زندگی نمود .

بنابراین « ازدواج » فطری است ، اکنون به طور مختصر در فواید « ازدواج » مطالبی بیان می شود :

الف - ازدواج و سلامت روحی و روانی جوانان

از هدف مهم ازدواج ، تحصیل آرامش روانی و سکون قلبی است و قرآن نیز به این امر تصریح دارد:

* هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا اَوْ خَدَائِي است که (همه) شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او سکون و آرامش بگیری (اعراف، ۱۸۹)

بهشتی (۱۳۸۶) در کتاب « خانواده در قرآن » بر این عقیده است که :

« رفع نیاز جنسی یا عوامل دیگر ، در تشکیل خانواده ؛ اصل نیستند . اصل، این است که محیط پر از صفای خانواده ، تجلی گاه مودت و رحمت زن و مرد نسبت به یکدیگر و وسیله سکون و آرامش آنها باشد، و به همین جهت است که زن و مرد در انتخاب همسر ، به این اصل اساسی و مهم توجه نداشته باشند و حقیقتاً در صدد یافتن وسیله سکون و آرامش بر نیایند و خانواده ای تشکیل ندهند که تجلی گاه و رحمت باشد ، ناکام می مانند و روی خوشبختی و آرامش را نمی بینند » (ص، ۴۱).

بررسی وضعیت روانی دختر و پسر پیش از ازدواج، چگونگی تأثیر گذاری ازدواج در آرامش روانی را آشکار می کند . فرد در آستانه ازدواج ، در اثر نیازهای جنسی به نوعی دچار ناآرامی و اضطراب است و دوستی های دوره جوانی نمی تواند آرامش مطلوب را فراهم کند نیاز به مهر و محبت و داشتن شریک و همراه در زندگی از مهم ترین انگیزه های ازدواج است ؛ گویا محبت به هم ، احساسی لازم برای زندگی و غمخواری و پذیرش هم در تجربه های زندگی امری ضروری است . کشش های احساسات متعارض و در عین حال قوی جوانی را چیزی مانند ازدواج حل کننده و آرامش دهنده نیست (خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی ص ۵۴).

قرآن دوچیز را به لباس تشبه کرده است، شب (وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا) وهمسر (هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ). لباس موجب زینت و آرامش آدمی است. لباس انسان را از اشعه های مضر خورشید حفظ می کند. لباس انسان را زیبا می کند.

ب - ازدواج و سلامت دینی و آخروی جوانان

والدین باید با تعجیل کردن در ازدواج فرزندشان، او را از شروسوسه های شیطان حفظ نمایند والا امکان آن است که شیطان بر آنها غالب شود و به گناه مبتلا کند.

عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ مَا مِنْ شَابٍّ تَزَوَّجَ فِي حَدَاثَةِ سِنِّهِ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ يَا وَيْلَهُ يَا وَيْلَهُ عَصَمَ مِنِّي ثُلْثِي دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ الْعَبْدُ فِي الثُّلْثِ الْبَاقِي « پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: هیچ جوانی در ابتدای جوانی ازدواج نمی کند مگر آن که شیطان فریاد می زند که ای وای از او وای او، دو سوم دینش را از دست من حفظ کرده است، پس باید در ثلث دیگر آن تقوای خدا را نمایند» (بحار الأنوار ج ۱۰۰ ص ۲۲۱).

به کلام پیامبر صلی الله علیه و اله دقت نمایید:

وَ كَذَلِكَ الْأُبْكَارُ إِذَا أَدْرَكْنَ مَا يُدْرِكُ النِّسَاءَ فَلَيْسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبُعُولَةُ وَإِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِنَّ الْفَسَادُ لِأَنَّهِنَّ بَشَرٌ « پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: دختران هم نیز زمانی که آنها (میوه روی درخت) آماده ازدواج شدند، هیچ دارویی به جز ازدواج کردن برای آنها نیست. اگر ازدواج نکنند بر آنها ایمن از فساد نباشد، زیرا آنها بشر هستند (کافی ج: ۵ ص: ۳۳۷) پیامبر (صلی الله علیه و اله)، اولاً داروی دختر آماده ازدواج را «شوهر» دانسته اند و ثانیاً اگر ازدواج نکنند او را مصون از فساد ندانسته اند !! آیا شرایط امروزی امکان گناه و فساد نسبت به دوران اولیه اسلام بیشتر نکرده است؟

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ (هرکسی که ازدواج کند نصف دینش را حفظ کرده است) (الکافی ج ۵ ص ۳۲۹).

وظایف والدین در ازدواج فرزندان

والدین، در ازدواج جوانان نقش فراوان و سازنده دارند. از این رو قبل از آن که بحث خواستگاری و معیارهای آن را طرح کنیم؛ خوب است به دو مطلب مهم که در ازدواج جوانان مؤثر است بپردازیم؛ تا والدین محترم به این دو نکته توجه خاص مبذول دارند و راه را برای سعادت جوانان هموار نمایند. عدم توجه والدین به این دو مطلب و یا برخورد های ناآگاهانه آنها، حتماً در آینده جوانان مؤثر خواهد بود و گاهی ناخواسته والدین موجبات سقوط و انحراف جوانان عزیز خودشان را فراهم خواهند کرد.

الف - تعجیل و تسهیل در ازدواج (زمان ازدواج)

قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ جَبْرَيْلَ أَتَانِي عَنِ اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ فَقَالَ إِنَّ الْأُبْكَارَ بِمَنْزِلَةِ النَّمْرِ عَلَى الشَّجَرِ إِذَا أَدْرَكَ ثَمْرَهُ فَلَمْ يُجْتَنَى أَفْسَدَتْهُ الشَّمْسُ وَ نَشْرَتْهُ الرِّيحُ وَ كَذَلِكَ الْأُبْكَارُ إِذَا أَدْرَكْنَ مَا يُدْرِكُ النِّسَاءَ فَلَيْسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبُعُولَةُ وَإِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِنَّ الْفَسَادُ لِأَنَّهِنَّ بَشَرٌ « پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: ای مردم جبرئیل از جانب لطیف و خبیر آمده و می گوید: دختر مانند میوه روی درخت است، وقتی رسید و چیده نشود، خورشید و باد آن را فاسد می کند، دختران هم نیز زمانی که آنها آماده

ازدواج شدند، هیچ دارویی به جز ازدواج کردن برای آنها نیست. اگر ازدواج نکنند بر آنها ایمن از فسادنباشید، زیرا آنها بشر هستند (کافی ج : ۵ ص : ۳۳۷).

خدای متعال نیز در سوره نور پس آیه حجاب همه مسلمین را امر می کند که زنان بی شوهر (باکره و بیوه) و مردان بی زن را ازدواج دهید (وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ) «مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید». اولین وظیفه والدین تسریع در امر ازدواج فرزندشان است. بخصوص تسریع در ازدواج فرزند دختر، که جز حقوق فرزند بر پدر است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ وَإِذَا كَانَتْ أُنْثَى وَيُعَجَّلُ سَرَّاحَهَا إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا «پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: حق فرزند بر پدرش زمانی دختر می باشد، آن است که و در ازدواج او و رفتن به خانه شوهر، تعجیل نماید (وسائل الشیعه ج ۲۱ ص ۴۸۱).

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص أَنَّهُ قَالَ مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ إِذَا وُلِدَ وَ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ إِذَا كَبِرَ وَ أَنْ يُعِفَّ فَرْجَهُ إِذَا أَدْرَكَ «پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: حق فرزند بر پدر آن است که نام نیکو برای او انتخاب نماید و به او نوشتن بیاموزد و زمانی بزرگ شده است عفت او را حفظ نماید (ازدواج دهد) (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۷۰).

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَةَ وَ يُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ (پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: حق فرزند بر پدر سه چیز است: نام نیکو انتخاب کند و نوشتن رابه او بیاموزد و زمانی که بالغ شده او را همسر دهد) (مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۶۶).

چنانچه والدین در امر ازدواج فرزندشان کوتاهی کنند و آنها به گناه بیفتند، والدین در این گناه شریک هستند:

قال رسول الله (ص): مَنْ بَلَغَ وَ لَدَّهُ النِّكَاحُ وَ عِنْدَهُ مَا يُنْكِحُهُ ثُمَّ أَحْدَثَ حَدَثًا فَالِإِثْمُ عَلَيْهِ «پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: هر کسی فرزندش به سن ازدواج برسد و توان ازدواج دادن او را داشته باشد، (ولی این کار را نکند) و از فرزندش لغزشی سر زند، گناهش به گردن اوست» (تحکیم خانواده ص ۳۲).

پیامبر صلی الله علیه و اله رد کردن خواستگاری که دین و اخلاقش خوب است ولی شرایط مادی و وامعیاری های بی موردی که از طرف والدین مطرح می شود، ندارد؛ این کار موجب تأخیر در ازدواج دختر شده و در نتیجه در زمین فتنه فسادبزرگی به وقوع می پیوندد:

رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوَّجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ كَبِيرٌ

«پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: اگر خواستگاری آمد که اخلاقش مورد رضایت است با او ازدواج کنید «و اگر نکنید فتنه و فساد در زمین شده است» (الکافی ج : ۵ ص : ۳۴۷)

ب - چشم و گوش بودن در ازدواج غیر سنتی

به معنای ازدواج «سنتی» و «غیر سنتی» توجه کنید :

ازدواج سنتی : مادر آدرس دختری از کسی می گرفت، سپس همراه خواهران و یا زنانی به دیدن دختر می رفتند ، پس از گزینش اولیه ، به پسر خصوصیات دختر را گزارش می دادند . و در دفعه دوم همراه او به دیدن دختر می رفتند تا از نزدیک دختر را ببیند .

ازدواج غیر سنتی : پسر یا دختر ، یکدیگر را در بیرون از خانه می بینند و همدیگر را می پسندند ، حتی گفتگوهای اولیه را با هم می کنند ، آن گاه پسر از والدین خود می خواهد که به خواستگاری آن دختر بروند .

سال های گذشته در جامعه اسلامی ما ازدواج فرزندان به صورت سنتی انجام می شد. این نوع ازدواج دارای محسنات و معایبی بود. محسنات آن حفظ حجب ، حیای و ارزش و شخصیت دختر و بهره گیری از تجربیات بزرگتر ها ، ولی گاهی اوقات نظر دختر و پسر کاملاً ندیده می شد ، و بزرگتر ها برای دختر و پسر تصمیم می گرفتند ، و ازدواج اجباری صدمات جدی در برداشت. این خلاف عقل و شرع بوده است .

در جامعه باز ماشینی امروز ازدواج سنتی کمتر شده است، زیرا دختر و پسر به خاطر ، ارتباط شغلی و یا تحصیلی که دارند ؛ در ارتباط ها با یکدیگر آشنا می شوند و بدون حضور والدین باهم گفتگو می کنند و بیشتر مواقع ارتباط عاطفی نیز برقرار می کنند ، به اصطلاح «عاشق» یکدیگر می شوند ، سپس تصمیم می گیرند با هم ازدواج کنند .

زمانی که تقاضای خواستگاری (عموماً از ناحیه پسر انجام می شود) در بین خانواده مطرح می شود ، افراد خانواده در وهله اول با این تقاضا بر خورد شدید می نمایند و محکوم کرده و رد می کنند . والدین با مقاومت فرزند روبرو می شوند ، والدین هم بدون بررسی دختر و یا پسر را رد می کنند و بیان می دارند که دختری که به این گونه آشنا شدی برای همسری مناسب نیست ! سپس با بیان مواردی که به این گونه ازدواج کردند و زندگی آنها به طلاق منتهی شده است ، مخالفت خود را اعلام می دارند .

در این درگیری خانوادگی ، والدین اصرار دارند که به صورت سنتی به خواستگاری دختری که آنها پسندیده اند بروند . پسر هم به شدت با این گونه ازدواج سنتی مخالفت می کند . گاهی اوقات فرزند با پافشاری فراوان والدین را وادار می کند که به خواستگاری دختر مورد نظرش بروند . گاهی اوقات والدین با سر سختی مخالفت می کنند و بر خلاف میل فرزند او را به ازدواج اجباری وادار می کنند .

آیا این برخورد ها مناسب است ؟ صدمات از این برخوردها برای فرزندان چیست ؟ آیا راهکاری که به مصلحت واقعی فرزند باشد وجود ندارد ؟

عدم توجه به خواسته فرزندان، موجب پنهان شدن ارتباطات می شود و هر دو ناخواسته به گناه کشیده می شوند. مخالفت ما هیچ چیز را درست نمی کند بلکه گره را کور تر می کند. ارتباط و اعتماد فرزندان به ما از بین می رود که آسیب هایی را در پیش خواهد داشت

به طور مجمل این برخوردها مناسب نیست و صدمات زیادی بر فرزند ما خواهد داشت. آنچه مسلم است پدر و مادر خوشبختی فرزند را می خواهند. آنها فکر می کنند انتخاب همسر به این شکل عاقبت خوبی ندارد و مصرند که فرزند را از اقدام به آن برحذر کنند.

قبل از آن که راهکار درست را بیان بداریم مناسب است که مقداری به تجزیه و تحلیل به پردازیم، تا با بصیرت و آگاهی بهتر تصمیم مناسب بگیریم.

در زمانی که دختر و پسر در کنار یکدیگر به تحصیل می پردازند خواه ناخواه با یکدیگر مراد شده دارند، لذا با هم آشنا شده و برای ازدواج هم دیگر را انتخاب می کنند. نفس این عمل همیشه بد نیست، بلکه واقعاً آنها می خواهند ازدواج کنند و همان طور گفته شد ارتباط عاطفی نیز پیدا کرده اند. عدم توجه به خواسته آنها، موجب پنهان شدن ارتباطات می شود و هر دو ناخواسته به گناه کشیده می شوند. مخالفت ما هیچ چیز را درست نمی کند بلکه گره را کور تر می کند. ارتباط و اعتماد فرزندان به ما از بین می رود که آسیب هایی را در پیش خواهد داشت.

از آن طرف متأسفانه در سریال های تلویزیون ما الگوهای نادرستی از ارتباط نامحرم با یکدیگر به جامعه اراه می شود، و این باعث می شود که برای جوانان ما که تلویزیون حکم دانشگاه را دارد، رفتار شان (ارتباط با جنس مخالف) درست و هنجار بداند. و مخالفت ما را ارتجاع و عدم درک جوانان امروز تلقی کنند.

چه باید کرد؟

اگر فرزندان به ما گفت « من می خواهم با فلان دختر هم کلاسی ام ازدواج کنم؛ بیایید به خواستگاری او بروید ». با روی باز حرف او را بشنوید و به نکات زیر توجه کنیم:

۱- از تقاضای جوان خود استقبال کنیم.

۲- پس از تماس تلفنی با خانواده دختر، به خواستگاری او برویم.

۳- چشم و گوش جوان خود شده و حقایق را بدون پیش قضاوت ببینیم.

۴- به عنوان مشاور تحقیق خود را به جوان خود بگویم.

۵- اگر مشکل جدی در اخلاق و شخصیت دختر مشاهده کردید، با مهربانی و حفظ احترام جوان مان، آن را به او گوشزد می نمایم.

۶- فرصت فکر و انتخاب به جوان خود بدهیم تا با آگاهی انتخاب کنند.

در آموزه های دینی ما روی انتخاب فرزند بیشتر توجه شده تا انتخاب والدین ، به حدیث زیر دقت کنید :

عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنِ الصَّادِقِ ع قَالَ قُلْتُ إِنِّي أَرَدْتُ أَنْ أَتَزَوَّجَ امْرَأَةً وَإِنَّ أَبِيَّ أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْوَدِيَّ هَوِيَّتَ وَدَعَّ الْأَبِيَّ هَوِيَّ أَبُوَاك (ابن ابی یعفور از امام صادق (ع) پرسید: من تصمیم گرفته‌ام با زنی معین ازدواج کنم، و پدرم به دیگری نظر دارد، حضرت فرمود: آنکه خود دوست داری ازدواج کن، و آنکه را که پدر می‌خواهد واگذار) (الکافی ج ۵ ص ۴۰۱)

اگر در تحقیقات خود دو خانواده به توافق رسیدن که دوجوان با هم ازدواج کنند ؛ دو خانواده به دو نکته زیر توجه کنند :

۱ - پس از انتخاب سعی کنید کسب اعتماد جوانان را جلب نمایید.

۲ - پس از جلب اعتماد ، آنان را راهنمایی کنید که مهارت زندگی کسب نمایند.

نکته مهم : اگر فرزندان با کسی که نمره اش متوسط باشد ، ازدواج کند زندگیش موفق تر خواهد بود از آن کسی که نمره اش بیست است ولی مورد پسند جوان شمانیست !!! لطفاً به این حقیقت خوب فکر نمایید .

ازدواج دانشجویی !

مطلبی دیگری که خوب است به آن بپردازیم « ازدواج دانشجویی » است . آیا دو جوانی که در حین تحصیل هستند و هنوز استقلال مالی پیدا نکرده اند ، با هم ازدواج کنند ؟ آیا این ازدواج دارای استحکام خواهد بود ؟ اگر با ازدواج این دو جوان مخالفت کنیم ، و شرط ازدواج را به استقلال مالی منوط کنیم به صلاح جوانان ما است ؟ !

اگر ازدواج آنها را تا اتمام تحصیلات به تأخیر بیندازیم ، فرزندان در دوران تحصیل با گزینه جنسی خود چکار کند؟ این پرسش هایی است که والدین در مورد فرزند دانشجوی خود دارند. بار دیگر به کلام پیامبر صلی الله علیه واله دوباره دقت نمایید:

وَكَذَلِكَ الْأَبْكَارُ إِذَا أَدْرَكْنَ مَا يَدْرِكُ النِّسَاءُ فَلَيْسَ لَهُنَّ دَوَاءٌ إِلَّا الْبُعُولَةُ وَإِلَّا لَمْ يُؤْمَنْ عَلَيْهِنَّ الْفَسَادُ لِأَنَّهِنَّ بَشَرٌ «پیامبر صلی الله علیه واله فرمودند: دختران هم نیز زمانی که آنها(میوه روی درخت) آماده ازدواج شدند، هیچ دارویی به جز ازدواج کردن برای آنها نیست. اگر ازدواج نکنند بر آنها ایمن از فسادنباشید، زیرا آنها بشر هستند (کافی ج : ۵ ص : ۳۳۷). پیامبر(صلی الله علیه واله) ،اولاً داروی دختر آماده ازدواج را «شوهر» دانسته اند و ثانیاً اگر ازدواج نکنند او را مصون از فساد ندانسته اند !! آیا شرایط امروزی امکان گناه و فساد نسبت به دوران اولیه اسلام بیشتر نکرده است ؟

چه باید کرد ؟

راه مناسب آن است که اگر جوانان از نظر کفویت مشکلی ندارند ، دو خانواده با کمک هم این دوجوان را به عقد هم دریاورند ؛ تا به استقلال مالی برسند . دو خانواده سعی کنند هر دو در حد وسع خود به جوانان خود کمک مالی کنند تا آنها ادامه تحصیل بدهند در حالی که خود را از گناه و معصیت حفظ کرده اند .

اولاً : ازدواج دختران دانشجو مشکلی ایجاد نمی کند ؛ زیرا نفقه بر زن لازم نیست . نگرانی که است ، بیم آن باشد که بعد از ازدواج از ادامه تحصیل زن ، جلوگیری شود ، این مسئله با شرط ضمن عقد مبنی براین که « زوجه حق ادامه تحصیل داشته باشد » ، بر طرف می شود .

ثانیاً : والدین دانشجو فرزند خودشان را در حال حاضر ، پشتیبانی مالی می کنند ، به عبارت دیگر در وضعیت مجردی خرج دانشگاه و خرج خوراک و پوشاک او را می دهند ؛ اگر والدین با آگاهی و بصیرت برای حفظ دین و سلامت روحی و جسمی فرزندشان این پشتیبانی را بعد از ازدواج ، تا زمانی که به استقلال مالی برسند نیز ادامه دهند . شاید تصور شود این توقع نادرست است که والدین پس از ازدواج فرزندشان باز هم آنها را پشتیبانی مالی نمایند ! از والدین می پرسیم اگر خدای نکرده فرزندشان تصادف بکنند و برای نجات اواز مرگ ، نیاز مند به بودجه فراوانی باشد ، آیا به آب و آتش نمی زنند تا این مبلغ را برای نجات فرزندشان فراهم نمایند . آیا ارتکاب به گناه صدمه اش کمتر برای فرزندشان نسبت به تصادف است ؛ در تصادف جسمش در معرض نابودی است ، در گناه ، روح و دینش در معرض نابودی است ؛ کدام مهم تر است ؟

ثالثاً : دو خانواده مراسم ازدواج را با توجه وسیع یکدیگر برگزار نمایند و از یکدیگر در حد وسیع شان توقع داشته باشند . تمام همت دو خانواده بر حفظ فرزندشان از گناه و معصیت باشد .

رابعاً : والدین توجه کنند اگر به چنین پشتیبانی تن ندهند ، فرزند خودشان بر اثر نیاز فطری به جنس مخالف ، از راه غیر شرعی این نیاز را برآورده می نماید . هر چند که تصور شود این ارتباط ها هیچ اشکالی ندارد ! ولی بهر حال هر ارتباط با جنس مخالف بدون عقد شرعی باشد ، « حرام » است ؛ والدین نیز دز این گناه سهیم هستند :
قال رسول الله (ص): مَنْ بَلَغَ وَكَدَّهُ النِّكَاحَ وَعِنْدَهُ مَا يُنْكِحُهُ ثُمَّ أَحَدَّثَ حَدَّثًا فَلَا يَأْتِيهِ عَلَيْهِ بِبِئْسَ مَا يَفْعَلُ وَوَالَهُ فَرَسٌ يَلْمِزُ
هر کسی فرزندش به سن ازدواج برسد و توان ازدواج دادن او را داشته باشد ، (ولی این کار را نکند) و از فرزندش لغزشی سر زند ، گناهش به گردن اوست « (تحکیم خانواده ص ۳۲)

والدین بهترین مشاوران

نقش والدین در فرایند خواستگاری ، دست خوش افراط و تفریط قرار گرفته است . به عبارت دیگر یک زمانی تمام تصمیمات را والدین می گرفتند و جوانان در انتخاب همسر چندان نقشی نداشتند . والان برعکس شده است عموماً جوانان خودشان همسرشان را انتخاب می کنند و والدین را در مقابل عمل انجام شده قرار می دهند .

افراط و تفریط نقش والدین در فرایند خواستگاری هر دو آن به زیان والدین و جوانان هستند . زیرا والدین از تجربه کافی برخوردارند ، و بی بهره شدن جوانان از این تجربه والدین در انتخاب همسر احتمال آن که به خطا برسند ، زیاد است . و از آن طرف نادیده گرفتن « جوانان » نیز درست نیست و با آموزه های دینی اسلام مغایر است .

بهترین جایگاهی که والدین می توانند در فرایند خواستگاری داشته باشند ، مشاور امین و دلسوز جوانان بودند است . به عبارت والدین چشم و گوش بینا و تیز جوانان باشند ، اگر جوانان بر اثر کمی تجربه دورتر را نمی تواند ببینند ، والدین با امانت کامل آنچه از دور تر می بینند ، در اختیار جوانان قرار بدهند . جوانان نیز جدا از والدین تصمیم بگیرند و در مقابل آنها قرار نگیرند ، و نظرات ناپخته خود را بر والدین تحمیل نکنند . و دلسوزی و محبت والدین را قبول کنند اگر چه والدین در نظرات خود

اشتباه و خطا می کنند با برخورد مناسب خطای آنها متذکر شوند . و هر گونه کنار گذاشتن والدین به ضرر جوانان است . البته به این معنا نیست که جوانان چشم بسته تسلیم والدین شوند ، بلکه والدین را به عنوان « مشاور » امین در کنار خود داشته باشند .

بررسی موانع ازدواج

به بعضی از موانع رایج ازدواج به طور مختصر می پردازیم :

عدم ازدواج فرزند بزرگتر

گاهی اوقات فرزند بزرگتر (پسر یا دختر) ، باعث می شود که اجازه به خواستگاران فرزندان بعدی داده نمی شود . و ازدواج را فرزند کوچکتر به تأخیر می اندازد و تصور می کنند این کار زشت است و تا فرزند بزرگتر ازدواج نکرده است نباید به ازدواج فرزند بعدی فکر کرد !!!

این تفکر درست نیست و در آموزه های دینی خود به چنین کاری سفارش نشده است بلکه در داستان حضرت شعیب و حضرت موسی علیهما السلام ، حضرت شعیب (ع) دو دختر خود را به حضرت موسی (ع) ارائه می کنند (قالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ)

«شعیب گفت: میخواهم یکی از دخترانم را بعقد نکاح تو در آورم» (۲۷ قصص). در این آیه حضرت شعیب (ع) دخترانش را ارائه می کند در حالی که می توانست دختر بزرگتر را ارائه کند!

گاهی اوقات فرزند بزرگ قصد ازدواج ندارد و یا در ازدواج کردن مشکلاتی دارد ؛ در نتیجه بقیه خواهرانش به پای او می سوزند و گاهی اوقات موجب فساد بقیه می شود . (تأمل نمایید) . منظور نیست که اول فرزند کوچکتر را ازدواج دهید ، بلکه منظور این است که اگر شرایط ازدواج برای فرزند کوچکتر فراهم شد مانع نشوید .

ادامه تحصیل

در این زمان شرایط تحصیل برای دختران بیشتر فراهم شده است و از آن طرف متأسفانه تحصیل ارزش اجتماعی بیش از حد لازم پیدا کرده است ! لذا گاهی اوقات از ترس ترک تحصیل ازدواج نمی کنند و این امر مشکلات ایجاد می کند اولاً سن ازدواج دختری که از هیجده سالگی آماده ازدواج است ، بالا می رود ؛ درس بالا هم به سختی همسر خود را انتخاب می کنند !! ثانیاً وقتی تحصیلات دختر بالا می رود ، متوقع است همسرش حداقل با او هم مدرک باشد ! این موجب می شود تعداد زیادی از خواستگاران حذف می شوند ؛ و همین ازدواج اورامشکل تر می کند !! ثالثاً دختر بین نیاز فطری خود (نیاز به جنس مخالف) و ادامه تحصیل خود تعارض می بیند و از آن جا که متأسفانه مدرک تحصیلی به حباب اجتماعی مبتلا شده است ! لذا به نیاز فطری خود پشت پا می زند ؛ ولی نیاز وجود دارد و شرایط گناه و معصیت و عشق های دانشگاهی را فراهم می کند (تأمل نمایید)

ما با ادامه تحصیل دختر مخالف نیستیم اولاً در زمان خواستگاری می توان به عنوان شرط قبول ازدواج ادامه تحصیل دختر گذاشت اگر پذیرفت ، حتماً حتماً این مطلب را شرط ضمن عقد نمایید ، یعنی موقع خواندن خطبه عقد این شرط بیان شود و در قباله نیز ثبت شود (دقت کنید)

معیار های نادرست ، (همسر بی عیب خواهی)

گاهی اوقات دختران و پسران کم تجربه لیستی بلند وبالا از ویژگی های همسر آینده شان در دست خود می گیرند و با توجه به این لیست می خواهند همسرشان را پیدا کنند . طبیعی است که کمتر کسی پیدا می شود تمام این ویژگی ها را داشته باشد لذا ده ها ویا صدها خواستگاری می روند ویا خواستگاران می آیند ، ولی همسر ایدآل این خانم ویا آقا نیستند و همگی نمره مردودی می گیرند !!!!

در نتیجه سن ازدواج بالا می رود و گاهی اوقات فرد قبل را با فرد بعدی مقایسه می کنند و لذا انتخاب مشکل تر می شود !!!

دختران و پسران جوان باید توجه کنند همسر بی عیب و نقص وجود ندارد نگردید پیدا نمی کنید از این گذشته آیا شما بی عیب و نقص هستید !!!!!

چه باید کرد ؟ واقعیت این است که اولاً باید روی معیار های اصلی پافشاری کرد نه معیارهای فرعی (بیان خواهد شد) ثانیاً اگر با خواستگاریین ۵۰٪ تا ۷۰٪ توافق داشته باشیم این واستگار مناسب و خوب است . زیرا امکان ندارد با خواستگاری ۱۰۰٪ توافق داشته باشید . البته هر دو باید بیاموزید که در زندگی آینده چگونه از توافق ها کمک بگیرید

و بر اختلاف های خودتان مدیریت نمایید.

فقر

گاهی اوقات جوانان می خواهند از نظر مالی و اقتصادی کامل شوند و بعد ازدواج کنند ؛ این امر موجب تأخیر در ازدواج می شود . در حالی که نیاز به جنس مخالف حذف نشده است بلکه وجود دارد و گاهی در انسان تنش ایجاد می کند ! این نوع تفکر (چه دختر و چه پسر) دینی نیست ! در آموزه های ما به فرد « فقیر » سفارش شده است با توکل به رزاقیت خدا ازدواج کنید به احادیث زیر توجه کنید :

ترس فقر، ازدواج نکردن را بدینی به خدا بیان فرموده اند

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ سَاءَ ظَنُّهُ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ يَا مَعْزُومِي إِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ وَالهِ فَرَمُودُنْد : هر که از ترس خرج و نفقه تزویج نکند بخدا بدگمان گشته که خداوند فرماید: «اگر فقیر باشند خداوند از عنایت خود بی نیازشان گرداند» (وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۳)

ازدواج موجب جلب روزی می شود :

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزَقُ لَكُمْ «پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: ازدواج نمایید ، زیرا آن برای شما کسب روزی می نماید» (وسائل الشیعه ج : ۲۰)

وَقَالَ صَ الَّتَمَسُوا الرِّزْقَ بِالنِّكَاحِ وَ نيز فرمود: « پیامبر صلی الله علیه واله فرمودند: روزی را از راه ازدواج بجوید » (مکارم الأخلاق، ص: ۱۹۶)

وَقَالَ ص تَزَوَّجُوا النِّسَاءَ فَإِنَّهُنَّ يَأْتِينَ بِالْمَالِ (۶) «(پیامبر صلی الله علیه واله فرمودند: ازدواج کنید با زنان زیرا آنها برای شما سبب روزی هستند» (مکارم الأخلاق ص ۱۹۶)

کفویت چیست ؟

کفو بودن و همانندی زن و شوهر ، با وجود اهمیت ، از ملاک ها نسبی همسر مناسب محسوب می شود . مفهوم کفو امری نسبی است ، بدین معنا دارای مراتب متعدد است و باید با توجه به ملاکهای دیگر در نظر گرفته شود . همان گونه که گفته شد « کفو » مشابه مفهوم « همسان همسری » در جامعه شناسی خانواده است . همسان همسری نیز دارای جنبه های متعدد است که به آن اشاره شد ؛ بنابراین ، باید همتایی دو نفر در جمع بندی همه ملاک ها در نظر گرفته شود . ممکن است فردی نسبت به همسرش در جنبه های بالاتر باشد ، در حالی که همسر او در جنبه های دیگری از او بالاتر است . در کلمات اولیای دین (ع) آمده است :

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ الْكُفُوُ أَنْ يَكُونَ عَفِيفًا وَعِنْدَهُ يَسَارٌ كَفُوِيَةٌ أَنْ اسْتَكْفَى بِشَخْصٍ يَكُونُ مَعَهُ زَوْجًا مَعَهُ بِأَسَاسِهِ
باشد (الكافي ج : ۵ ص : ۳۵۰)

گاهی اوقات که دختر یا پسر از امتیازات خوبی برخوردار است متوقع است همسر او ، نیز حداقل این امتیازات را داشته باشد . به عبارت دیگر کفویت این معنا می کنند که کاملاً شبیه هم بودن !! این تعریف درست نیست . کفویت در آموزه های دینی ما معنای دیگری دارد.

كَتَبَ مَوْلَانَا الْجَوَادُ ع إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِيهِمْ مَا ذَكَرْتُمْ مِنْ أَمْرِ بَنَاتِكُمْ وَأَنَّكُمْ لَا تَجِدُونَ أَحَدًا مِثْلَكُمْ فَلَا تَفَكَّرُوا فِي ذَلِكَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ إِذَا جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضُونَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَزَوِّجُوهُ وَإِلَّا تَفَعَّلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادًا كَبِيرًا

امام جواد (ع) به علی بن اسباط نامه نوشت که متوجه شدم که تو در باره ازدواج دخترانت کسی مثل آنها نمی یابی ، در این باره زیاد فکر نکن خدا تو را رحمت کند پیامبر (ص) فرمود وقتی کسی آمد که از اخلاق ، پودینش راضی هستی به او دخترت را به او بده والا در زمین فساد بزرگی خواهد شد (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص: ۳۷۳)

امام جواد(ع) در این حدیث ، سخت نگرفتن در معیار را بیان نموده اند و توجه به معیار های اصلی مبذول کرده اند .

در حدیثی امام رضا فرموده اند اگر بنا باشد کفو کامل برای دختران خود طلب نماییم ، دختران هیچگاه ازدواج نخواهند کرد :

امام رضا (ع) : ... لَوْ لَمْ يُجَالِسْنَا إِلَّا كُفُوٌ لَمْ يُجَالِسْنَا أَحَدًا وَ لَوْ لَمْ يُزَوِّجْنَا إِلَّا كُفُوٌ لَمْ يُزَوِّجْنَا أَحَدًا امام رضا (ع) به تح بن یزید جرجانی فرمودند: ... اگر بنا بود ما با همتای خودمان مجالست کنیم پس باید با هیچ کس همنشین نمی کنیم !! و اگر بنا بود ما دخترمان را به کفو آنها ازدواج بدهیم ، پس دخترمان را باید به هیچ کس ندهیم !! ... بحار ج ۷۵، ص : ۳۶۵

خواستگاری

خواستگاری ، یعنی آن که « مرد » از « زن » تقاضای « همسر » شدن می نماید . و عموماً روی فطرت زن دوست دارد مه مورد خواستگاری قرار گیرد . « خواستگاری » مراسمی است که بین دو خانواده برای ازدواج دو جوان انجام می گیرد . در مورد خواستگاری توجه به دو نکته مناسب است .

اولاً طبیعی خواستگاری آن است که « مرد » از « زن » خواستگاری کند نه « زن » از « مرد » . چنانچه زنی از مردی خوشش آمده است آیا خوب است که خودش به آن مرد بیان کند ؟ شاید گفتن آن حرام نباشد ولی جالب نیست . اگر شرایط آقا واقعاً از روی محسبات دینی و عقلی مناسب است و از روی هوس نیست (عشق های متداول) ، باید به فردی که امین و مطمئن است گفته شود و او به عنوان واسطه به فرد مورد نظر از طرف خودش پیشنهاد بدهد و حتی بعضی از خصوصیات دختر را بگوید تا او را به خواستگاری ترغیب کند ؛ البته به هیچ عنوان از نظر دختر نسبت به اونگوید . اگر آن مرد به خواستگاری آمد که خدا را شکر و اگر به هر دلیلی نیامد و نپذیرفت به خواستگاری بیاید باید آن فرد را اذین و لیست خواستگاران حذف کرد .

نباید علاقه آن مرد را در ذهن خود پیروراند ؛ این عمل خطر جدی برای زن دارد و او را به مشکلات روحی و روانی شدید مبتلا خواهد شد (تأمل کنید) . از رشد زندگی عقب می افتد.

ثانیاً : در این زمانه گاهی اوقات مردی از دختری تقاضا می کند که مدتی با هم دوست باشیم تا نسبت به یکدیگر شناخت پیدا کنیم اگر برای یکدیگر مناسب بودیم به خواستگاری بیایم !! ظاهر مطلب خوب است ولی دامی از دام های شیطان است . اولاً به هیچ عنوان که ما مدتی باهم باشیم تا شناخت پیدا کنیم ، گزاره نادرست است زیرا عموماً زوج های جوان عیوب خودشان می پوشانند تا طرف مقابل را جذب کند . ثانیاً گاهی اوقات آقایون فقط می خواهند مدتی با دختری باشند و بعد به بهانه ای جدا می شود و می گوید « ما برای هم مناسب نیستیم و از اول که گفته بودم !!! »

چه باید کرد ؟ اگر پسری پیشنهاد آشناسدن با یکدیگر را کرد (عموماً در این زمان اتفاق می افتد) از او بخواهید تا همراه خانواده اش به خواستگاری بیاید . آن گاه در طی خواستگاری تحقیقات لازم را برای شناخت یکدیگر بدست آورید .

معیار ها خواستگاری

همان طور که تا کنون بین شد ، دو معیار برای انتخاب هسر بیان می شود : معیار اصلی و معیار فرعی . معیار اصلی به این معنا که نمی شود از آن گذشت و اگر خواستگار و یا دختر مورد نظر نداشته باشد ؛ ازدواج با چنین فردی به زیان دنیا و آخرت مبتلا خواهیم شد . اما معیارهای فرعی اگر طرف مقابل ما دارا بود خوب است ولی اگر معیارهای اصلی را داشت بعضی از معیار های فرعی را نداشت ، ازدواج با چنین فردی اشکال ندارد .

معیار های اصلی

معیار های اصلی ، معیار هایی که هر کدام از آنها در خواستگار نباشد ، او برای همسری مناسب نیست . هر چند اگر بسیاری از معیارهای فرعی را داشته باشد مانند وضع اقتصادی خوب ، موقعیت اجتماعی خوب ، زیبایی و.....

ایمان

اولین معیار اصلی « ایمان » است .

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَامَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ يُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

و با زنان مشرک و بت پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید! (اگر چه جز به ازدواج با کنیزان، دسترسی نداشته باشید زیرا) کنیز باایمان، از زن آزاد بت پرست، بهتر است هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید! (اگر چه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان باایمان در آورید زیرا) یک غلام باایمان، از یک مرد آزاد بت پرست، بهتر است هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او)، شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می‌کنند و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می‌نماید، و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد شاید متذکر شوند! (البقرة : ۲۲۱)

در آیه فوق کنیز مؤمن را زن مشرک که کمالات اوموجب تعجب می شود ، برتر است ؛ علت این برتری را عاقبت کار که زن مشرک انسان را به جهنم می رساند .

فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ نَزَّوَجُ فَقَالَ الْأَكْفَاءُ فَقَالَ وَ مَنْ الْأَكْفَاءُ فَقَالَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ

مردی برخاست و از پیامبر (ص) پرسید دخترانمان را به چه کسی تزویج کنیم ؟ فرمودند با فردی کفو آنها باشد پرسید چه کسی کفو آنهاست ؟ فرمودند : مؤمنین کفو بعضی دیگر هستند (وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص: ۶۲)

نکته ای که لازم است تذکر داده شود آن که مؤمن چه کسی است ؟ ایمان از دو قسمت اعتقاد و عمل تشکیل شده است . هر کدام نباشد ایمان ناقص است . البته ایمان مراحل دارد و هر کسی در یک مرحله است ولی به هر حال نسبت به وسع خودش عمل می کند . قرآن مؤمن کامل را فردی می داند که تسلیم باشد :

فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملا تسلیم باشند. (نساء ، ۶۵)

تأثیر عقاید شوهر در زن

گاهی اوقات مردی به خواستگاری دختری می آید بعضی معیارهای فردی را دارد ولی از نظر اعتقادی و عمل به دین ضعیف است. دختر به خاطر معیار های فرعی خوبی که دارد، تصور می کنند که می توانند بعد او را اصلاح کنند. با این تصور جواب مثبت می دهد، در صورتی که امام (ع) می فرمایند این گونه نیست بلکه عموماً زن تحت تأثیر عقاید شوهر قرار می گیرد.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تَزَوَّجُوا فِي الشُّكَاكِ وَلَا تَزَوَّجُوهُمْ لِأَنَّ الْمَرْأَةَ تَأْخُذُ مِنْ أَدَبِ زَوْجِهَا وَيَقْهَرُهَا عَلَى دِينِهِ إِمَامٌ صَادِقٌ (ع) فرمودند: با افراد شکاک ازدواج کنید ولی به آنها دختر ندهید، زیرا زن از رفتار شوهرش تأثیر می گیرد و مقهور او می شود بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص: ۳۸۰

اخلاق و تقوا

دومین معیار اصلی « اخلاق » و « تقوا » است. در آموزه های دینی نسبت به این ها سفارش شده است.

رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ وَإِلَّا تَفَعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ

پیامبر (ص) فرمود وقتی کسی آمد که از اخلاق و پودینش راضی هستی به او دخترت را به او بده والا در زمین فساد بزرگی خواهد شد (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص: ۳۷۳)

اگر فردی دارای اخلاق بد است، ازدواج با او منع شده است:

عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارِ الْوَأَسِطِيِّ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعِ أَنْ لِي قَرَابَةٌ قَدْ حَطَبَ إِلَيَّ وَ فِي خُلُقِهِ سُوءٌ قَالَ لَا تَزَوَّجْهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ حُسَيْنِ بْنِ بَشَّارِ وَاشْطَى بِرَأْيِ إِمَامِ رِضَا (ع) نامه ای نوشت که « قوم خویشی دارم که خواستگاری از دخترم کرده است ولی بد اخلاق است بپذیرم؟ حضرت پاسخ دادند که اگر بد اخلاق به او ازدواج نده (وسائل الشیعه ج: ۲۰ ص: ۷۸)

اصالت خانواده

اصالت خانواده از معیار های اصلی است. در آموزه های دینی سفارش اکید شده است در اصالت خانواده، زیرا « وراثت » در تربیت مؤثر است.

وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نَصَّرَفُ آيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ

سرزمین پاکیزه (و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می روید اما سرزمینهای بد طینت (و شوره زار)، جز گیاه ناچیز و بی ارزش، از آن نمی روید این گونه آیات (خود) را برای آنها که شکر گزارند، بیان می کنیم! (الأعراف: ۵۸)

در آیه با مثال زمینی پاک که میوه پاک می رویند و زمین ناپاک میوه ناپاک می رویند، تأثیر وراثت را بیان می فرماید

و عن الصادق (ع) قال : تزوجوا في الحجز الصالح فإن العرق دساسٌ

امام صادق (ع) فرمودند : از خاندان شایسته ازدواج کنید ، چرا که نطفه واصلت ، تأثیر پنهانی دارد (طبرسی ، ج ۲، ص ۵۷۰).

قال رسول الله (ص) : أنظر في أي نصاب تضع ولدك فإن العرق دساسٌ. «بنگر فرزند خود را در کجا قرار می دهی ، زیرا که وراثت (عرق) پنهانی عمل می کند (دساس)!! (نهج الفصاحة ، ص ۲۶۶)

قال رسول الله (ص) : الناس معادنٌ والعرق دساسٌ وأدبُ السوءِ كعرقِ السوءِ. مردم چون معادن گونه گونه اند؛ وراثت بسیار مؤثر است ، ادب بد ، مانند وراثت بد است (مؤثر می باشد) (نهج الفصاحة ، ص ۷۸۸)

قال رسول الله (ص) : استجيدوا الخال فإن العرق دساسٌ در انتخاب دایی فرزندان دقت نمایید ، زیرا عرق (وراثت) تأثیر فراوانی دارد (لسان العرب ج ۶ ۸۲ دسس: ص : ۸۲)

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): إِنَّمَا النِّكَاحُ رِقٌّ، فَإِذَا أَنْكَحَ أَحَدُكُمْ وَلِيدَةً فَقَدْ أَرْقَاهَا، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ لِمَنْ يُرِقُّ كَرِيمَتَهُ. به تحقیق ازدواج بندگی و رقیقت است ؛ پس زمانی که هر کدام از شما ازدواج کرد با زنی (مادر فرزند)، بتحقیق به بندگی او شدی (تأثیر وراثت آن ن در فرزند)؛ پس خیلی دقت نمایید چه کسی را برای فرزند خود انتخاب می کنید (وسائل الشیعه ج ۱۴ ، ص ۵۲)

نکته مهم : اصل در اصالت خانواده است ولی گاهی اوقات بندرت امکان دارد عکس آن نیز باشد یعنی آن که فرزند مؤمن از یک فرد کافر و فاسق ، و یا آن که فرزند فاسق از والدین مؤمن ؛ البته این باید با شواهد وقراینی روشن شود .

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

و زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را زنده و به هر کس خواهی، بدون حساب، روزی می بخشی.» (آل عمران : ۲۷)

در آیه فوق خدا مؤمن را تشبیه به فرد « زنده » کرده است که صلب کافر (میت) خارج می کند و بالعکس

معیار های فرعی

معیار هایی به غیر از معیار های اصلی ، فرعی و غیر اصلی است . به عبارت دیگر اگر معیار های اصلی در خواستگاری بود ، از معیار های فرعی هرچه بود خوب و مناسب است و اگر هم نبود ، نباید مانع ازدواج شود .

همسانی زن و مرد در امور فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی به سازگاری بیشتر آنان کمک می کند ، ولی نمی توان این امر را به عنوان ملاک لازم برای همسری مناسب در نظر گرفت . براساس آیات قرآن ، رهنمود های وسیره عملی اولیای دین (ع) در ازدواج ، توجه صرف به این ملاک ها ، برای ترجیح افراد ، مردود دانسته شده است (خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی ، ص ۴۱) .

مهم ترین معیار فرعی ، وضعیت مال زیبایی است .

الْحَكَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِجَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكِلَإِلَى ذَلِكَ وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ إِمَامَ صَادِقٍ (ع) فرمودند : اگر کسی زنی را برای زیبایی و پولش ازدواج کند ، خدا او را به همین ها واگذار می کند ؛ ولی او را برای دین او ازدواج کند ، خدا هردو را به روزی می کند (الکافی ج ۵ ص ۳۳۳)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَمْ يَرَفِيهَا مَا يُحِبُّ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لَهُ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ فَعَلَيْكُمْ بِذَاتِ الدِّينِ پیامبر (ص) فرمودند : اگر با زنی فقط برای زیبایی او ازدواج کنید ، به آن نخواهد رسید !
واگر برای پول و مال ازدواج کند خدا او را به خودش واگذار می کند ! بر شما باد که با صاحبان دین ازدواج کنید (الکافی ج ۵ ص ۳۳۳)

خوب است راجع به زیبایی بیشتر صحبت شود . منظور از این احادیث آن نیست که زیبایی را مد نظر نداشته باشید ؛ بلکه این معیار جزء معیار های اصلی ونخست نباشد .

نکته دیگر این زیبایی و جمال « مرد » در استحکام زندگی هیچ نقشی ندارد !! ولی بعضی از دختران به این نکته خیلی حساس هستند و گاهی خواستگار های مناسب را رد می کنند صرفاً به خاطر که زیبایی مناسب ندارد . این کاملاً نادرست است . در مرد می بایست دو ویژگی « عقل » و « مدیریت » بارز باشد .

در قرآن نسبت به « فقر » این گونه فرمودند :

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی نیاز می سازد خداوند گشایش دهنده و آگاه است (نور، ۳۲).

تفاوت سنی چه قدر باشد ؟

یکی از سؤال های جدی در بحث خواستگاری « تفاوت سنی » است . اگر « مرد » چند سالی (حدود ۵-۷ سال) بزرگتر باشد خوب است . ولی در شرایط زندگی امروز ، این تفاوت کتر اتفاق می افتد ؛ تحصیل واستقلال مال سن ازدواج دتران را بیشتر کرده است ، لذا عموماً دو جوان همسن هستند . برای بعضی سؤال است که آیا این همسن بودن در آینده مشکلی ایجاد نمی کند ؟ البته مشکلی ایجاد نمی کند . حتی گاهی اوقات امکان دارد که « زن » کمی از مرد بزرگتر باشد ، اگر شرایط دیگر مناسب است و این تفاوت بین ۳- ۱ سال باشد مانعی ندارد .

دقت شود زوج های جوان در هر شرایطی می بایست مهارت زندگی بیاموزند و عمل کنند ، این در استحکام زندگی زناشویی حرف اول را می زند ، ولی اگر این مهارت نباشد امکان دارد تفاوت سنی (دختر بزرگتر باشد) مشکل را مشدد کند .

راه های تحقیق راه های شناخت همسر

در بحث ازدواج تحقیق لازم و ضروری است و باید از راه های گوناگون پیرامون خواستگار تحقیق کرد که به آنها اشاره می شود.

نکته ای که باید متذکر شد آن که در بحث ازدواج با استخاره شروع و یا اتمام نکنید ، بلکه

تحقیق و مشاوره مهم است . استخاره روش بسیار نادرست است . در آموزه های دینی ما هیچ گاه به این روش

اشاره نشده است بلکه تحقیق و مشاوره را اصل دانسته شده است .

راه های تحقیق به شرح زیر می باشد :

الف – گفتگوی مستقیم

والدین با خواستگار

والدین با والدین خواستگار

دوجوان با یکدیگر در محل رسمی

پرسش های زمان خواستگاری :

پرسش هایی پیرامون شناسایی یکدیگر

۱- راجع به خانواده

۲- راجع شغل

۳- راجع به علایق یکدیگر

پرسش هایی پیرامون مهارت های زندگی

۱- هدف از زندگی

۲- توقع از همسر خود

۳- جایگاه زن در خانه

۴- جایگاه اقوام در زندگی

پرسش هایی پیرامون برنامه ریزی آینده زندگی

۱- نسبت به ادامه تحصیل

۲- نسبت به اشتغال زن «همسر»

۳- مسکن

ب - تحقیق پیرامون خصوصیات شخصی

۱ - تحقیق از محل کار و تحصیل

۲ - تحقیق از محل زندگی

۳ - تحقیق از دوستان

نکته ای که در تحقیق باید توجه داشت آن که مطالبی که از افراد گوناگون کی شنوید به طور مطلق نگاه نکنید بلکه به طور نسبی بنگرید. سعی کنید اطلاعات خود را از منابع مختلف کسب نمایید و معدل این اطلاعات را برای تصمیم گیری مد نظر داشته باشید.

نکات مهم در خواستگاری

در فرایند خواستگاری توجه به نکات زیر لازم و ضروری است.

شناخت نسبی

در دوران خواستگاری شناخت کامل تقریباً غیر ممکن است؛ این شناخت نسبی است به عبارت دیگر دوجوان با شناخت نسبی زندگی خود را شروع می کنند، بقیه شناخت در طی زندگی از یکدیگر پیدا می کنند. پرسشی که مطرح می شود آیا شناخت نسبی برای شروع زندگی زناشویی کافی است؟ پاسخ مثبت می باشد و باید به خاطر داشته باشید که « **زندگی موفق، زندگی است با کمک توافق های اختلاف های خود را با تدبیر، مدیریت کنند** »

آیا باید عاشق خواستگار بود؟

گاهی اوقات جوانان تصور دارند باید زندگی مشترک خود را با کسی شروع کنند عاشق او باشند!! عشق موتور زندگی موفق است. قرآن اولین هدیه الهی را به کسانی که عقد می کنند «مودت و رحمت» می داند. ولی عشق پایدار عشق است در طی زندگی زناشویی در یک تعامل مناسب و خوب به وجود می آید. عشقی که با نگاه به وجود می آید، احتمال پایدار بودن آن کم است.

بنابراین اگر معیار های عقلانی در خواستگارتان بود. الان به دنبال «عشق» نباشید؛ آن عشق انشالله با کسب مهارت زندگی، در طی زندگی به وجود می آید و آن عشق پایدار است

امکان شباهت و توافق صد درصد

همان گونه که در قبل بیان شد ، نباید شباهت صددرصدی از خواستگار انتظار داشت . ولی باید در چهار چوب اعتقادی و اخلاقی شباهت داشته باشید و در پیمودن زندگی تا حدود زیادی شباهت داشته باشید .

محرم شدن برای شناخت یکدیگر

گاهی اوقات دو جوان بعد از این گفتگو و تحقیق ، برای آن که شناخت بیشتری پیدا کنند ، با هم محرم می شوند (صیغه می شوند) تا همدیگر را کامل بشناسند ! این محرمیت امکان آسیب هایی دارد . اولاً خواه ناخواه بین دو جوان رابطه عاطفی به وجود می آید . ولی این دو هنوز پیمان زناشویی ندارند ؛ امکان دارد که یکی از خانواده ها از وصلت با این خانواده پشیمان شود (درست یا نادرست) . آن وقت بزرگترها مانع ادامه محرمیت و ازدواج شده و به احساسات دو جوان هیچ توجه نمی کنند .

علاوه بر این ، دختر از نظر جامعه بیوه به حساب می آید و یک نمره منفی در پرونده اش ثبت می شود ؛ هر چند او هیچ تقصیری نداشته باشد . ولی جامعه می گویند که او چه عیب داشته است که محرمیت او را فسق کرده اند . اثبات بی گناهی مشکل است و

پس چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی ، اگر در جلسات گفتگو نکته ای برایتان مبهم است ، تحقیق و گفتگو را ادامه بدهید تا به یک شناخت نسبی برسید و بلافاصله عقد دائم نمایید . لذا از محرم شدن برای شناخت پرهیزید .

گاهی اوقات ، محرمیت (صیغه شدن) برای شناخت نیست بلکه برای فراهم شدن زمان مناسب برای جشن عقد می باشد ؛ در چنین حالتی هم از محرمیت به وسیله صیغه شدن تا حد امکان خوداری کنید . شما می توانید عقد دائم کرده و ثبت دفتر نمایید ، ولی مراسم جشن عقد را به زمانی که دو خانواده آمادگی دارند ، موکول کنید . این کار پایدارتر از محرمیت موقت است (تأمل کنید)

مهریه و جهیزه

از مسایل بسیار مهم و جنجالی ازدواج « مهریه » یا « جهیزه » است . گاهی در فرایند خواستگاری تمام شرایط و معیار های مناسب است و دختر و پسر هم دیگر را پسندیده اند ولی در موقع مهریه خیلی به سادگی فرایند خواستگاری قطع می شود !!

بعضی در مهریه مقایسه های بی جا می کنند ! بعضی تصور می کنند « مهریه » زیاد باعث استحکام زندگی می شود و دیگر نمی توانند به سادگی دختر را طلق بدهد ! این باور ها نادرست و غیر دینی است . در قرآن وسع ن مرد « را بیان می کند :

لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ وَ مَنْ قَدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آنها که تنگدستند، از آنچه که خدا به آنها داده انفاق نمایند خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی کند خداوند بزودی بعد از سختیها آسانی قرار می دهد! (الطلاق : ۷)

و در آموزه های معصومین (ع) به مهریه کم تشویق شده است

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أُصْبِحُهُنَّ وَجِهًا وَأَقْلُهُنَّ مَهْرًا

امام صادق (ع) فرمودند پیامبر (ص) فرمودند: بهترین زنان امت من زنی است که در حالی که زیبا است، مهریه کم داشته باشد!! (وسائل الشیعة ج: ۲۰ ص: ۹۱)

۲۵۱۷۱- قَالَ الصَّدُوقُ وَرَوَى أَنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ قِلَّةَ مَهْرِهَا وَ مِنْ شُؤْمِهَا كَثْرَةَ مَهْرِهَا رَوَايَتٌ شَدِيدَةٌ أَنَّ مَهْرِيَةَ كَمٍ مِنْ بَرَكَاتِ زَنٍّ وَ زِيَادَةُ مَهْرِيَةَ مِنْ شُؤْمِ زَنٍّ (وسائل الشیعة ج: ۲۰ ص: ۹۱)

در قرآن یک خواستگاری بیان شده است که الگو برای مؤمنین خواهد بود. و سهل گرفتن در ازدواج دختر را یکی از ویژگی های صالحین می داند:

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَكْحِكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

(شعیب) گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو در آورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی، محبتی از ناحیه توست من نمی خواهم بر تو مشقت وارد کنم و ان شاء الله مرا از صالحان خواهی یافت» (القصص: ۲۷ ۲۷)

آموزش مهارت زندگی و استحکام زندگی

بعضی ها تصور می کنند اگر در تحقیق همسر سنگ تمام بگذارند و یک « همسر ایدآل » انتخاب کنند، دارای زندگی خوب و خوشبختی خواهند داشت. انتخاب « هسر ایدآل » شر لازم یک زندگی موفق است ولی کافی نیست. انتخاب « همسر » مناسب مانند انتخاب یک « ماشین » خوب و مناسب است، ولی باید رانندگی بلد بود تا بتوان از این ماشین بهره خوب برد؛ و یا این که در ضمن رانندگی آموزش های رانندگی را عمل کرد تا تصادف نکنیم. اگر ماشین درجه یک انتخاب کنیم ولی رانندگی بلد نباشیم و یا این که در حین رانندگی قوانین رانندگی را مراعات نکنیم، به احتمال زیاد « تصادف » خواهیم کرد و از این « ماشین » بهره نخواهیم برد.

انتخاب « همسر ایدآل » نیز به منزله انتخاب ماشین ایدآل است، و این اول راه است نه آخر راه!! باید مهارت زندگی کردن را بیاموزیم و در فرایند زندگی به آنها عمل کنیم تا از یک زندگی موفق و مستحکم برخوردار باشیم. اگر به آموزش همت نگماریم، احتمال آن که از زندگی موفق بهره مند باشیم ضعیف است!!

انتخاب همسر ایدآل شرط لازم زندگی موفق است ولی کافی نیست! شرط کافی آن

کسب مهارت زندگی زناشویی است؛ بدون این مهارت دارای بودن «زندگی موفق»

مشکل و یا غیرممکن است!!

آموزش های کسب مهارت زندگی زناشویی، به طور کلی شامل شاسایی جنس مخالف از نظر روانشناسایی و ،مهارت تعامل صحیح و درست با جنس مخالف و مهارت سازگاری با موقعیت های سخت زندگی می باشد .

بررسی معضل اجتماعی

ازدواج عشاق شکست خورده!

تعداد زیادی دختر و پسر مدتی با یکدیگر دوست هستند، یا به قول خودشان عاشق یکدیگرند ؛ ولی آنها، به دلایل گوناگون، با هم ازدواج نمی کنند. در نتیجه آنها در عشق خود، شکست می خورند. این شکست خورده ها چه برای خود و چه برای جامعه خود، مسایلی به وجود می آورند. گاهی اوقات ، این شکست خورده ها ، به افسردگی یا خودکشی و یا فسادهای دیگر مبتلا میشوند. مسئولین فرهنگی و دینی باید این گروه را دریابند ، با کمک فکری آنها را از مشکلات روحی و روانی نجات دهند. هرگونه طرد کردن وجدایی از آنها ، موجب شدت یافتن معضلات جامعه خواهد شد.

یکی از مشکلاتی که آنها با آن روبرو هستند ، امر ازدواج می باشد ، که ممکن است برای آنها ، سوالات زیر ایجاد می شود :

آیا به خواستگارم و یا به دختری که به خواستگاری او رفته ام ، درباره عشق گذشته ام صحبت کنم یا خیر ؟

آیا من با دختر یا پسر ی که مدتی با دیگری دوست بوده و رابطه نامشروع داشته است ، ازدواج کنم ؟

آیا ممکن است ما دو نفر، با سوابق گذشته مان ، زندگی خوبی داشته باشیم ؟ چگونه ؟

در این مطلب در صدد هستیم که به مسئله ازدواج این گونه افراد بپردازیم، تا پاسخ پرسش های فوق را بدهیم .

اولین قدم اولین قدمی که این عزیزان باید بردارند ، آن است که از گذشته خود «توبه» کنند . «توبه» یعنی پشیمانی از گذشته و تصمیم بر آن که دیگر برنگردم . در این زمان است که الطاف الهی به سوی آنها سرازیر می شود !

به آیه ۵۳ سوره «زمر» دقت کنید: **قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ** بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است (زمر، ۵۳).

قبل از ازدواج ، اولین قدم «توبه کردن» می باشد . خدا در سوره «طلاق» وعده داده است که مشکلات را برطرف نماید ، و از جایی که حساب نمی کنی و غیر انتظار ماست، روزی می دهد

خدای مهربان در این آیه خطاب به کسانی خیلی گناه کرده اند ، می فرماید : نا امید نشوید ، من تمام گذشته شما را جبران می کنم !!

در آیه بعد می فرماید : « به سوی پروردگارتان برگردید و به حرف او گوش کنید

وَ أَنْبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ و به درگاه پروردگارتان بازگردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید! (زمر، ۵۴)

در سوره فرقان، خدای مهربان به توبه کنندگان وعده داده است که گناهان آنها را تبدیل به حسنه و خوبی می کند؛ یعنی به عوض «گناه» ثواب «حج» و یا چیز دیگر می دهد!!!

إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

مگر کسانی که توبه کنند و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، که خداوند گناهان آنان را به حسنات مبدل می کند و خداوند همواره آمرزنده و مهربان بوده است)!(فرقان، ۷۰)

این عزیزان در سه مقطع «قبل از ازدواج»، «ضمن خواستگاری» و «در زندگی زناشویی» می بایست به نکات ذیل توجه نمایند تا انشاءالله در دنیا و آخرت دارای زندگی طیبه داشته باشند:

قبل از ازدواج

قبل از ازدواج، اولین قدم به همان گونه که گفته شد، «توبه کردن» می باشد. خدا در سوره «طلاق» وعده داده است که مشکلات را برطرف نماید، و از جایی که حساب نمی کنی و غیر انتظارمست، روزی می دهد؛ به آیات زیر دقت کنید:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا؛ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا؛ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می کند خداوند فرمان خود را به انجام می رساند و خدا برای هر چیزی اندازه ای قرار داده است! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند کار را بر او آسان می سازد)!(طلاق، ۴-۲)

از افکار نادرست پرهیز کنید، نمونه ای از این افکار عبارتند است از:

۱- دیگه ازدواج نمی کنم و تا آخر عمر مجرد می مانم!!

۲- ادامه ارتباط با دوست سابق که اکنون دارای همسر می باشد؛ تا زندگی او را خراب نمایم!!

۳- بی تفاوت شدن در امر ازدواج، با هر کسی که به خواستگاری من آمد ازدواج می کنم، زیرا زندگی دیگه برایم مهم نیست!!! این فکر صحیح نیست، بلکه با تجربه ای که از شکست خودم، کسب نموده ام، سعی کنم با یک فرد مناسب با روحیه خودم ازدواج نمایم.

۴- این نکته مهم را مد نظر داشته باشید که هر زندگی زناشویی، دارای مشکلاتی است، سعی کنید بیاموزید که چگونه مشکلات و مسایل زندگی را بر طرف نمایید. به راحتی می توان مواردی از عشاقی را در اطرافتان پیدا کرد که با عشق داغ، ازدواج را شروع کردند ولی دوران این عشق کوتاه بود و در کمتر از دو سال از یکدیگر جدا شدند!!!

در زمان خواستگاری

در موقع خواستگاری به دو نکته باید توجه داشت :

اولاً: از قیاس کردن خواستگارانم با دوستی که قبلاً با او ارتباط داشتیم ، جداً پرهیزم ؛ خواستگارانم را باخودشان قیاس کنم ، چنانچه مناسب بودند پاسخ مثبت دهم ؛ اگر دارای ویژگی های خوبی نبود ، پاسخ منفی بدهم ؛ همواره به وعده های خدا در قرآن امید وار باشم

ثانیاً: به خواستگارم لازم نیست که بگم با دیگری مدتی ارتباط داشتیم ؛ چنانچه آنها اطلاع داشتند و ازمن پرسیدند ، انکار نمی کنم ، واحساس پشیمانی خودم را ابراز می نمایم ، ومطمئن باشید خدا به وعده هایش عمل می کند واز جایی که فکرش را نمی کنید روزی خواهد داد .

در زندگی زناشویی

در زمان زندگی زناشویی باید به نکات زیر توجه نماییم تا انشاءالله زندگی شیرین و خوبی داشته باشید .

به تلفن و یا پیام های دوست قدیم خودبه هیچ عنوان پاسخ ندهید ، حتی این جمله « دیگه با من تماس نگیر .

از تهدید های احتمالی او نهراسید وبا توکل به خدا ، شر او را از خود برطرف نمایید . گاهی اوقات ، ممکن است ، دوستم بخواهد با تهدید این که به همسرت میگم که با من ارتباط داشتی ، ، او بخواهد از من سوء استفاده کند وزندگی من را به هم بزند ؛ هیچ به تهدید او توجه نکنید ، وبه خدا توکل کنید و ذکر « **یاستار العیوب** » را زیاد بگویید .

چنانچه همسرتان قبل از ازدواج با شما ، با کسی دوست بود ، هیچ یادآور آن نشوید و او را به خاطر ارتباط قبلی اش با دیگری ، سرزنش نکنید ؛ وبه اواعتماد کامل داشته باشید . از کنترل مستقیم و غیر مستقیم او به شدت خوداری نمایید .

شرایط جدید را کاملاً بپذیرید وبه ساختن زندگی جدید خود همت بگمارید ؛ ونسبت به همسرتان وفاداری کامل داشته باشید این نکته مهم را مد نظر داشته باشید که هر زندگی زناشویی ، دارای مشکلاتی است ، سعی کنید بیاموزید که چگونه مشکلات ومسایل زندگی را بر طرف نمایید ، مبادا این مشکلات (که طبیعی است) صبر شما را لبریز کند ونسبت به ازدواج نکردن با دوست قبلی خود ، افسوس بخورید ! یقین داشته باشید که اگر با دوست قبلی خود ، ازدواج می کردید حتماً دارای مشکلاتی بودید ، شاید به دلایل مختلف حتی با شدت بیشتر هم بود ، به راحتی می توان مواردی از عشاقی را در اطرافتان پیدا کرد که با عشق داغ ، ازدواج را شروع کردند ولی دوران این عشق کوتاه بود ودر کمتر از دوسال از یکدیگر جدا شدند !!!

ضمن تأکید مجدد به « توبه کردن » ، بیان ذکر های « **یا جبار** » و « **یا ستار** » و « **یا ارحم الراحمین** » مفید وتسریع دهنده الطاف الهی انشاءالله خواهد بود